

تحلیل گفتمان انتقادی ارزش‌های جامعه اسلامی در دعای «توفیق الطاعة»

علی اکبر مرادیان قبادی^{۱*}، روح الله مهدیان طرقله^۲شناسه دیجیتال (DOI): [0.22084/DUA.2025.30815.1151](https://doi.org/10.22084/DUA.2025.30815.1151)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵



چکیده

این پژوهش به بررسی گفتمان ارزش‌های اسلامی موجود در دعای «توفیق الطاعة» می‌پردازد و از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۸۹) بهره می‌گیرد. این دعا به‌عنوان متنی دینی، سرشار از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است که در شکل‌دهی به فرد و جامعه‌ای آرمانی، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. با به‌کارگیری الگوی سه‌بعدی فرکلاف، پژوهش حاضر می‌کوشد سازوکارهای ظهور قدرت نمادین در این گفتمان را آشکار سازد و نشان دهد که چگونه این دعا در اندیشه اسلامی به تصور جامعه‌ای آرمانی شکل می‌دهد. تحلیل در سه سطح انجام گرفته است: سطح متنی که بر ویژگی‌های زبانی و معنایی متن تمرکز دارد؛ سطح تفسیری که چگونگی انعکاس این ارزش‌ها در بسترهای اجتماعی - فرهنگی را بررسی می‌کند؛ و سطح تفسیری - انتقادی که به تحلیل کارکرد ایدئولوژیک این گفتمان در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این دعا با تأکید بر ارزش‌هایی چون «اطاعت»، «عدالت»، «انصاف» و «تواضع»، الگویی هنجاری از جامعه‌ای متعادل ارائه می‌دهد که بر تعامل میان حقوق و مسئولیت‌ها استوار است. همچنین، تحلیل صورت گرفته رابطه میان زبان و قدرت را در شکل‌دهی به تصورات آرمانی از فضیلت و رفتار اخلاقی روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: امام مهدی (عج)، ارزش‌های اسلامی، دعای «توفیق الطاعة»، نورمن فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، ایران (نویسنده مسئول) * aliakbarmoradian@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه لرستان mahdian.r@lu.ac.ir



۱. مقدمه

گفتمان دینی نقش مهمی در شکل‌دهی به آگاهی فردی و جمعی ایفا می‌کند؛ زیرا به‌عنوان یک عامل اساسی در ساخت نظام ارزشی اخلاقی و هدایت رفتار انسانی عمل می‌کند. دعای «توفیق الطاعه» از جمله متون دینی است که دارای بُعد اخلاقی و اجتماعی عمیقی است و محتوای تربیتی و فکری ارزشمندی را در خود جای داده است. این دعا تصویری آرمانی از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که بر پایه اطاعت، عدالت و تواضع استوار است.

در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است که این دعا را از منظر تحلیل گفتمان انتقادی و با رویکرد فرکلاف بررسی کند و مکانیسم‌های شکل‌گیری ارزش‌های جامعه اسلامی را در آن روشن سازد. تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان روشی چندبعدی، امکان درک ارتباط میان زبان و قدرت و نحوه استفاده از متون دینی در شکل‌دهی به تصورات اجتماعی آرمانی را فراهم می‌آورد.

این پژوهش به این پرسش پاسخ خواهد داد که:

چگونه گفتمان دعای «توفیق الطاعه» به ساخت شهر آرمانی از منظر دینی کمک می‌کند؟ و چه ابعاد ایدئولوژیکی را می‌توان با روش‌شناسی فرکلاف در این متن کشف کرد؟

برای پاسخ به این سؤالات، پژوهش بر سه سطح اساسی تحلیل گفتمان متمرکز خواهد کرد:

۱. سطح متنی: بررسی ساختار زبانی و معنایی دعا.
۲. سطح تفسیری: تحلیل ارتباط متن با بستر اجتماعی آن.
۳. سطح انتقادی - تفسیری: کشف ابعاد ایدئولوژیک گفتمان و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت فردی و جمعی.

به‌عبارت دیگر، مسئله اصلی پژوهش، این است که این دعا چگونه بستری مناسب برای تحلیل گفتمان انتقادی و نمود و ظهور آن در جامعه و معرفی آن به‌عنوان یک اندیشه غالب و قابل استفاده و یک الگوی آرمانی فراهم می‌کند. به‌عبارت دیگر، پژوهش حاضر در پی بررسی این موضوع است که چگونه گفتمان دینی در این دعا در شکل‌دهی به مفهوم شهر آرمانی نقش دارد و چه سازوکارهای زبانی و گفتمانی در آن به کار رفته است تا ارزش‌های اخلاقی را بنا نهد. همچنین، این پژوهش چگونگی تجسم ارزش‌های اجتماعی و روحانی در این دعا و نقش ایدئولوژیک آن را در هدایت رفتار فردی و جمعی تحلیل می‌کند. هدف از بررسی این مسئله، کشف روابط میان کلمات و تعابیر زبانی به‌کاررفته در دعا و بررسی چگونگی تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی است.



پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی و بر مبنای رویکرد گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف نگارش شده است. این نظریه به تحلیل متون زبانی می‌پردازد و ساختار معنایی و بیانی آن‌ها را در بافت‌های گوناگون بررسی می‌کند.

۱.۱. پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر، نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف به عنوان چارچوب مؤثری برای تحلیل متون دینی و فرهنگی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با این حال، بررسی نظام مند دعای «توفیق الطاعه» بر اساس این نظریه، تاکنون مغفول مانده و پس از بحث و بررسی به نظر می‌رسد که پژوهش علمی خاصی در مورد دعای «توفیق الطاعه» انجام نشده و این دعا به طور خاص از منظر نظریه فرکلاف قابل بحث و تحلیل است؛ با این وجود، در برخی پژوهش‌ها، گفتمان برخی متون دینی دیگر در چارچوب این نظریه بررسی شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

پریسا کاظمی و همکاران (۱۴۰۲)، این دعا را از منظر گفتمان نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که ایدئولوژی غالب در گفتمان این دعا، در موضوع بیان عظمت خداوند و قدرت و حکمت او در خلق نعمت‌های عظیم، توحید، بخشندگی و رحمت، تفویض امور به او و مناجات و راز و نیاز است.

محسن ذوالفقاری و فاطمه دست‌رنج (۱۳۹۸)، آیات تحدی را بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف در سه سطح نظریه مذکور تحلیل کرده و به این نتایج دست یافته‌اند که در سطح تفسیر گفتار و کردار مشرکان نقد و احوال جامعه عصر جاهلی منعکس شده و در سطح تفسیر با به کارگیری دانش زمینه‌ای، گفتمان ساختار اجتماعی موجود به چالش کشیده و در سطح تحلیل عجز منکران از تقلید نظم و بلاغت قرآن نشان داده شده است.

سیده زهرا مکی، حسن عبداللهی و سید حسین سیدی (۱۴۰۲)، خطبه دمشقیه امام سجاد (ع) را بر اساس نظریه فرکلاف بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که این خطبه در مرحله توصیف و تفسیر، از نظر روابط معنایی، تعبیرات، بار ایدئولوژیک و ارزش استعاری کلمات، وجوه امری و خبری، معلوم و مجهول بودن افعال و تأکید و... متناسب با بافت و اهداف خطابه است؛ همچنین روابط بینامتنی آن با قرآن و مناظرات امیرمؤمنان (ع) و امام مجتبی (ع) با معاویه نیز تأثیرگذاری کلام امام را بر جو حاکم و ایجاد تحول، با شواهد تاریخی و مستند، تقویت کرده است.



علی قهرمانی و فاضل بیدار (۱۳۹۸)، خطبه‌های امام علی (ع) را در جریان فتنه خوارج بر اساس نظریه تحلیل گفتمان فرکلاف تحلیل کرده و به این نتایج دست یافته‌اند که امام علی (ع) به منظور اقناع مخاطبان، نخست سرانجام تلخ برون‌رفت از سلطه قدرت حاکم را بیان می‌کند تا مانع تغییر ایدئولوژی یاران خود شود، سپس باطل بودن جهان‌بینی خوارج را آشکار و از تقابل با ایدئولوژی قدرت مسلط بر جامعه نهی می‌کند.

عبدالحسین ذکایی، روح‌الله صیادی‌نژاد و عباس اقبالی (۱۳۹۹)، نامه دهم نهج البلاغه را بر اساس الگوی فرکلاف تحلیل کرده و به این نتایج دست یافته‌اند که با توجه به مراحل سه‌گانه این نظریه در این نامه بار دیگر انگیزه‌های اسلامی و جاهلی نمود یافته است و این اختلاف ایدئولوژیک در گفتمان آنها نمود دارد.

سیدحسین سیدی و وفاء محفوظی موسوی (۱۴۰۰)، سوره قصص را بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف تحلیل کرده و نتیجه گرفته‌اند که در این سوره، از طریق سه محور توصیف، تفسیر و تبیین نقش فرامتن در گفتمان رسمی حاکم بر سوره قصص تبیین می‌شود؛ به این صورت که در سطح توصیف، با کنکاش ساختار متنی همچون کلمات و جملات، ایدئولوژی تبیین شده و در سطح تفسیر گفتمان الهی در برابر گفتمان‌های استکباری و در سطح تبیین تأثیر فرامتن و گفتمان رسمی بر جامعه، شخصیت‌ها و جامعه آنان متجلی شده است.

زهره کوچک‌یزدی و همکاران (۱۴۰۲)، نیز سوره تحریم را بر اساس الگوی فرکلاف تحلیل کرده و به این نتایج دست یافته‌اند که تمایل به انحراف و عدم پیشیمانی، در همسران پیامبر (ص) مشهود و آن‌ها با منافقین هم‌دست بوده‌اند؛ تاجایی که پیامبر (ص) از طرف خداوند پیشنهاد طلاق را مطرح کرده و هدف از نزول این آیات، امکان تشخیص مسیر درست، برای جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) بوده است. ابراهیم فلاح‌پور و سجاد شفیع‌پور (۱۳۹۷)، نیز به بررسی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف پرداخته و پس از تحلیل گفتمان‌های این سوره، در پرتو نظریه فرکلاف به این نتیجه رسیده‌اند که این گفتمان‌ها، در محوری مقاومتی با گفتمان‌های موجود سطح جامعه، تلاش می‌کنند نظام‌های ارزشی اسلام را تبیین نمایند.

این مطالعات نشان می‌دهند که رویکرد فرکلاف چارچوبی مناسب برای بررسی متون دینی از منظر گفتمانی و انتقادی ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر نیز با تکیه بر این پیشینه، تلاش می‌کند تا دعای «توفیق



الطاعة» را از همین منظر تحلیل کند و سازوکارهای شکل‌دهی به ارزش‌های اسلامی مطرح‌شده را در آن آشکار سازد.

۲.۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت این پژوهش در ارائه خوانش انتقادی نوینی از متن دعا نهفته است؛ زیرا چنین متون را با تحلیل گفتمانی مدرن پیوند می‌دهد و در نتیجه، به غنای مطالعات انتقادی در حوزه گفتمان دینی و برجسته‌سازی ابعاد فکری و اجتماعی آن کمک می‌کند.

۳.۱. متن و مفاهیم دعا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّيِّ، وَعِزَّ فَانِ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بَطْنَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهِةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ، وَاعْصِصْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ. وَتَقَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهِدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مُرْصِي الْمُسْلِمِينَ بِالشَّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ. وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى السَّبَّابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْعُرَاةِ بِالْغَزَاةِ وَالْعَلَبَةِ، وَعَلَى الْأُسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرِّعَايَةِ بِالْإِنْصَافِ وَحُسْنِ السَّيَرَةِ. وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْصِ مَا أَوْجَبَتْ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (الكفعمي، ۱۴۱۲: ۱/۳۲۱).

(خدایا! به ما توفیق بندگی، دوری از نافرمانی، راستی در نیت و شناخت حرمت‌ها روزی ده، به هدایت و استقامت گرامی دار، زبان‌هایمان را به سخنان درست و حکیمانه استوار کن، دل‌هایمان را از دانش و معرفت سرشار گردان، شکم‌هایمان را از حرام و شبهه پاک ساز، دست‌هایمان را از ستم و دزدی بازدار، چشمانمان را از زشتی و خیانت فروبند، گوش‌هایمان را از سخن بیهوده و غیبت بیوشان، به عالمان ما زهد و خیرخواهی و به دانش‌پژوهان، تلاش و شوق فراگیری و به شنوندگان، پیروی از حق و بهره‌گیری از پند و به بیماران مسلمان، شفا و آسایش و به درگذشتگان‌شان، رأفت و رحمت و به پیران ما، وقار و آرامش و به جوانان، بازگشت به سوی تو و توبه و به زنان، حیا و پاکدامنی و به توانگران، فروتنی و وسعت و به تهیدستان، بردباری و قناعت و به رزمندگان، پیروزی و چیرگی و به اسیران، آزادی و آسایش و به



فرمان‌روایان، عدالت و مهربانی و به زیردستان، انصاف و خوش‌رفتاری و به حاجیان و زائران، برکت در زاد و توشه عطا کن و آنچه را از حج و عمره که بر آنان واجب کرده‌ای، به فضل و رحمت خویش برایشان ادا کن. ای مهربان‌ترین مهربانان).

این دعا مفاهیم عمیقی را درباره استقامت دینی و اخلاقی در زندگی یک مسلمان در بر دارد. در این دعا، فرد از خداوند طلب می‌کند که او را در مسیر اطاعت موفق گرداند و خود را به دوری از گناه تشویق می‌کند. دعای «توفیق الطاعه» شامل درخواست‌هایی است که هدف آن تزکیه نفس و تطهیر روح از صفات ناپسند مانند دروغ، ظلم و ناپاکی است و به تقویت ارزش‌های مثبتی همچون راستی، عدالت، تواضع و رحمت می‌پردازد.

مسلمان در این دعا از خداوند هدایت و استقامت می‌طلبد و بر پرورش قلب با علم و معرفت تأکید دارد. او درخواست می‌کند که از اموری که باعث انحراف او می‌شود، مانند شبهات، دوری‌گزیند و در گفتار و کردار خود حکمت و درستی را مدنظر قرار دهد.

ویژگی بارز این دعا، توجه به ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و دینی است. در آن برای دانشمندان و زاهدان، دانش‌پژوهان، ثروتمندان و فقرا، رهبران و پیروان، بیماران و درگذشتگان دعا شده است. همچنین، این دعا بر فضیلت‌هایی که شایسته هر گروه است و بر اجتناب از رذیلت‌هایی که ممکن است آن‌ها را دچار لغزش کند، تأکید دارد و این جامعیت و فراگیری آن را نشان می‌دهد.

۲. نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) یکی از نظریه‌پردازان برجسته در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) یا (CDA) است. نظریه او بر این پایه استوار است که گفتمان نه تنها بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی است؛ بلکه به شکل‌گیری و بازتولید این واقعیت‌ها نیز کمک می‌کند. فرکلاف معتقد است که گفتمان‌ها در بافت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرند و در عین حال، این بافت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به عبارت دیگر، گفتمان‌ها ابزارهایی قدرتمند برای ایجاد، حفظ یا تغییر روابط قدرت در جامعه هستند (Fairclough, 1995: 70 - 83). فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸۵؛ کلاتری، ۱۳۹۱: ۲۲).

فرکلاف، نظریه تحلیل گفتمان انتقادی خود را در سه سطح مطرح می‌کند:



الف) توصیف (Description) در این مرحله، ویژگی‌های زبانی متن به دقت بررسی می‌شوند. این مورد، شامل تحلیل کلمات، ساختارهای دستوری، سبک و سایر عناصر زبانی است (فرکلاف، همان: ۱۷۰ - ۱۷۱).

ب) تفسیر (Interpretation) در این مرحله، رابطه بین متن و بافت اجتماعی آن تحلیل می‌شود. این شامل بررسی نحوه تولید و مصرف متن و تأثیرات آن بر مخاطب است (همان: ۲۱۵).

ج) تبیین (Explanation) در این مرحله، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی متن و نقش آن در بازتولید یا تغییر روابط قدرت و ایدئولوژی‌ها بررسی می‌شود (همان: ۲۴۵).

در مقاله پیش رو، نظریه سه لایه‌ای فرکلاف به منظور تحلیل گفتمان دعای «توفیق الطاعه» به کار گرفته شده است؛ در سطح نخست، به بررسی دقیق ویژگی‌های زبانی این دعا مانند واژگان کلیدی، ساختارهای نحوی، و سبک ادبی آن و در سطح دوم، به تحلیل پیوند این دعا با بافت دینی، تاریخی و فرهنگی و نحوه درک مخاطب از پیام‌های نهفته در متن و در نهایت، در سطح سوم، به بررسی چگونگی بازتولید ارزش‌های اسلامی و بازنمایی روابط قدرت و ایدئولوژی‌های حاکم در متن دعا پرداخته می‌شود. بدین ترتیب، نظریه فرکلاف بستری فراهم می‌سازد تا این متن دینی نه صرفاً از بُعد ادبی، بلکه از منظر گفتمانی و اجتماعی نیز تحلیل گردد.

۱.۲. توصیف

مرحله توصیف، اولین مرحله در تحلیل گفتمان انتقادی، از دیدگاه نورمن فرکلاف است. در این مرحله، تحلیل‌گر به بررسی ویژگی‌های زبانی متن می‌پردازد تا ساختارها و الگوهای زبانی را شناسایی کند. در این مرحله، کلمات (گزینش و معانی و بار ارزشی آن‌ها)، دستور (ساختارهای نحوی، زمان افعال، ضمایر و غیره) و ویژگی‌های سبکی و بلاغی (نحوه بیان، تأکید، تکرار و غیره) بررسی می‌شوند (فرکلاف، همان: ۱۷۰).

برخی از پرسش‌هایی که فرکلاف در این مرحله پیشنهاد کرده است، عبارتند از: ۱. کلمات: واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ ۲. دستور: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع افعالی کنش یا حالت جمله را نشان می‌دهند؟ چه کسی عمل می‌کند؟ چه کسی دریافت‌کننده است؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟ ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای



هستند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری، امری) استفاده شده است؟ ۳. ساخت‌های متنی: متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است» (همان: ۱۷۱ - ۱۷۰).

۱.۱.۲. کلمات

کلمات در این دعا بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و باورهای مذهبی هستند و نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و باورهای دینی دارند؛ به‌عنوان مثال:

۱. «طاعت» و «معصیت» در تقابل با یکدیگر قرار دارند. طاعت، موافقت و فرمان‌برداری و انجام واجبات و مستحبات و ترک منکرات (شاهین، ۲۰۰۴: ۱/ ۱۱۸ - ۱۱۹) و معصیت خلاف آن و به معنای نافرمانی از روی قصد است (آل نواب، ۱۴۲۴: ۱۵۰؛ الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۴: ۳۲۱ / ۲۸). این کلمات، نشان‌دهنده یک نظام ارزشی دینی هستند که انسان را به اطاعت از خداوند دعوت می‌کند و از معصیت باز می‌دارد.

۲. «هدایت» و «استقامت» نشان‌دهنده ارزش‌های هدایت الهی و پایداری در راه حق هستند.

۳. «حرام» آن است که شارع بر وجه الزام و حتم به ترک آن حکم کند (الزحیلی، ۲۰۰۶: ۱/ ۳۴۹) و شبهه امری است که جواز و حرمت و صحت و فساد و حق و باطل آن، مشتبّه و نامعلوم شده باشد (ابن منظور، همان: ذیل ماده ش ب ه). حرام و شبهه رفتارهای انسان را در چارچوب دستورالعمل‌های شرعی تنظیم می‌کند و او را از انجام منکرات باز می‌دارد.

۴. «عدالت» و «ظلم» که نشان‌دهنده دو قطب متضاد در نظام ارزشی اسلام هستند. در این دعا، عدالت به‌عنوان یک فضیلت اساسی و ظلم به‌عنوان صفتی مذموم معرفی می‌شود. از نظر نراقی «عدالت آن است که عقل عملی مطیع و منقاد قوه عاقله بوده و از او در جمیع تصرفات خود تبعیت نماید» (نراقی، بی‌تا: ۵/ ۱) و در اصطلاح فقه شیعی، ملکه‌ای نفسانی است که موجب می‌شود شخص ملازم تقوا و مروت باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۰). ظلم نیز به معنای تجاوز از حد، انحراف از عدالت، تصاحب حق دیگران و در اصل، قرار دادن چیزی در غیر جایگاه شایسته آن و گرفتن چیزی است که به انسان تعلق ندارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل ماده ظ ل م).

۵. «خلوص نیت» که بر اهمیت جهت‌گیری قلبی در اعمال دینی تأکید دارد. نیت اصطلاحاً به معنی عزم و اراده قلبی برای انجام اعمال عبادی به قصد قربت است (البهوتی، ۱۴۱۸: ۱/ ۳۷۵).



۶. «حج» و «عمره» به مناسک دینی خاص اشاره دارند و در اسلام از اهمیت بالایی برخوردارند. حج یعنی قصد جایی کردن و به آنجا رفتن (ابن منظور، همان: ح ج ج). حج، در حقیقت، قصد روی آوردن به خانه کعبه است با انجام اعمال شرعی، چه به صورت واجب و چه به صورت مستحب (الراغب الأصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل ماده ح حج). عمره نیز به معنای «زیارت و قصد» است و معتمر کسی است که عمره به جای آورد. این واژه ویژه زیارت خانه کعبه است، زیرا کعبه عامر (مکانی آباد و مقدس محسوب) می شود. علمای فقه، عمره را چنین تعریف کرده اند: طواف به دور خانه ی خدا و سعی میان صفا و مروه، در حالی که شخص در حالت احرام به سر برد (ابن منظور، همان: ذیل ماده ع م ر).

۷. کلمات «علماء»، «معلمین»، «مشایخ»، «مستمعان»، «جوانان»، «زنان»، «اغنیاء»، «فقراء»، «مجاهدان»، «أسراء»، «أمرأء»، «رعیت»، «حجاج» و «زوار» نیز به ساختار طبقاتی جامعه اشاره و بر ارزش ها و فضایل خاص هر طبقه تأکید می کنند، من جمله زهد و نصیحت برای علماء، تلاش و تمایل به فراگرفتن علم و دانش برای متعلمان، قبول پند و اندرز برای مستمعان، متانت و آرامش برای پیران، توبه برای جوانان، حیا و پاکدامنی برای زنان، تواضع و سخاوت برای ثروتمندان، صبر و قناعت برای فقیران، پیروزی و غلبه برای مجاهدان، آزادی و آسایش برای اسیران، عدالت و دل سوزی برای امیران، انصاف برای رعیت و برکت در زاد و توشه برای حاجیان و زائران. این گفتار با نگاه ابن خلدون به طبقات اجتماعی در جامعه فاضله تناسب دارد. آنجا که می گوید: «در جامعه اسلامی آرمانی بخش های مختلفی وجود دارد که از نظر سرشت و نقش با هم متفاوت هستند و در درجات سلسله مراتبی قرار گرفته اند. در رأس این مراتب، رهبر یا امام و سپس کسانی هستند که در جایگاه و منزلت به رهبر نزدیک ترند. هر یک از این گروه ها با توانایی و مسئولیتی که دارند، در جهت تحقق مقصود امام و جامعه تلاش می کنند. در مرتبه بعد، افرادی قرار دارند که به این طبقه خدمت می کنند و سپس، کسانی هستند که کارشان خدمت به طبقه پیشین است. این جریان تا آنجا ادامه پیدا می کند که به گروهی برسیم که فقط اطاعت می کنند و کسی به آن ها خدمت نمی کند و در پایین ترین درجات سلسله اجتماع قرار دارند» (الفارابی، بی تا: ۱ / ۱۱۴).

در مجموع، این تحلیل واژگانی، بیان گر آن است که این متن، از یک سو حامل آموزه های معنوی و عبادی و از سوی دیگر، بازتاب دهنده نظام ارزشی، ساختار طبقاتی و الگوهای رفتاری مطلوب در یک جامعه دینی است و جهان بینی خاصی را بازنمایی و بازتولید می کند.



۲.۱.۲. دستور زبان

در این بخش ساختارهای دستوری جمله، مانند فعلیه بودن و اسمیه بودن و زمان افعال و کاربرد ضمائر و... تحلیل می‌شوند. این عناصر می‌توانند نشان‌دهنده موضوع نویسنده یا گوینده نسبت به موضوع باشند. افعال در این دعا غالباً به صورت امر به کار رفته و درخواست‌های خاصی را در ساحت خداوند متعال مطرح کرده‌اند. مخاطب تمامی افعال امر در این دعا خداوند است؛ لذا همه به صورت مفرد مذکر مخاطب آمده‌اند. این نوع استفاده از افعال نشان‌دهنده رابطه مستقیم و شخصی بین بنده و خداوند است که در متون دینی و ادعیه بسیار رایج است. فعل امر در اینجا در واقع درخواست عفو و رحمت از روی استغاثه و استمداد و تصریح است (عتیق، ۲۰۰۹: ۷۷).

در این دعا، ضمیر جمع «نا» به طور مکرر به کار رفته که نشان‌دهنده جمعی بودن درخواست‌ها و همبستگی اجتماعی است؛ وقتی فرد خود را در جمع وارد می‌کند و با توده مردم در می‌آمیزد، به نوعی زدودن تعین فردی و از میان بردن اثر خودنمایی می‌انجامد و این حالت، انسان را از خودبینی و خودمحوری باز می‌دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۴).

افعال مطرح شده در این دعا دارای دو مفعول هستند که یکی همواره به صورت مستقیم و دیگری گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم ذکر شده‌اند و به روشنی هم شخصیت و گروه هدف دعا و هم خواسته و نیاز آن‌ها را تبیین و مشخص می‌کنند.

در متن دعا، از حرف عطف (وَ) به شکل مکرر استفاده شده است که باعث ایجاد پیوستگی نحوی و معنایی میان عبارات مختلف می‌شود. این حرف گاهی واژه‌ها و گاهی هم جملات را به هم پیوند می‌دهد و انسجام متن را نشان می‌دهد (قزويني، بی تا: ۳/ ۱۳۲).

۳.۱.۲. ساختار متن

متن دعا را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

بخش اول: درخواست‌های فردی و شخصی (رابطه بین فرد و خداوند) و شامل درخواست‌هایی برای توفیق در طاعات و عبادات، دوری از گناه، نیت صادقانه و مخلصانه، پرهیز از ظلم و انحرافات اخلاقی است.



بخش دوم: درخواست‌های اجتماعی و شامل دعا برای اقشار مختلف جامعه از جمله علما، متعلمان، حاکمان، فقرا، زنان، جوانان و... است.

دعا ابتدا بر اصلاح فردی و شخصی تمرکز دارد، سپس به اصلاح اجتماعی و گروه‌های مختلف مردم گسترش می‌یابد. این ساختار به‌طور ضمنی نشان‌دهنده دیدگاهی است که در آن اصلاح جامعه از طریق اصلاح فردی شروع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بر اصالت توأمان فرد و جامعه که دیدگاه بسیاری از فلاسفه اسلامی است، صحه می‌گذارد (طباطبایی، همان: ۹۷/۴ - ۱۰۰؛ مطهری، ۱۳۷۲: ۵۲ - ۵۶)؛ به‌طوری که عبارات دعایی به‌گونه‌ای چینش و تنظیم شده‌اند که هر بخش با بخش بعدی ارتباط معنایی دارد.

پاکی فردی ← کنترل رفتار اجتماعی ← عدالت در جامعه ← رحمت الهی برای همه
این ارتباط مفهومی سبب افزایش همبستگی معنایی در کل دعا شده است و نشان می‌دهد که دعا دارای یک نظام فکری منسجم است.

ساختارهای «علی + گروه اجتماعی + پ + ویژگی مطلوب و مخصوص هر گروه» بارها تکرار شده که تأکید بر اهمیت موضوع دارد:

علی + گروه اجتماعی + پ + ویژگی	مخصوص
--------------------------------	-------

وَقَضَّلْ عَلٰی عَلَمَانِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ	وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ
وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ	وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضُعِ وَالسَّعَةِ
وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ	وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ

این ساختارها، آهنگی خاص به زبان می‌بخشند، انسجام متن را تقویت می‌کنند، معنا را به‌سادگی منتقل می‌سازند و با موسیقی درونی خود، تأثیری ژرف بر شنونده یا خواننده می‌گذارند.

۴.۱.۲. سبک

واژه «سبک» در حوزه‌های گوناگونی چون ادبیات، هنر، معماری، موسیقی، زبان‌شناسی و فلسفه کاربرد دارد. در عرصه ادبیات، سبک به شیوه خاصی گفته می‌شود که نویسنده یا شاعر برای بیان اندیشه‌ها و احساسات خود برمی‌گزیند؛ شیوه‌ای که آثار او را از دیگران متمایز می‌سازد. این تمایز می‌تواند در گزینش کلمات، ساختار جمله‌ها، تصویرآفرینی، موسیقی سخن، بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی، زاویه دید و شیوه روایت نمود یابد و به نوشته‌ها رنگ و بویی ویژه ببخشد. شمیسا سبک را حاصل نگرش خاص، گزینش و



عدول از هنجار می‌داند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵). محمدتقی بهار نیز با تأکید بر مقوله «طرز خاصی از نظم یا نثر» می‌گوید: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۸).

سبک متن دعا در کل، رسمی و ادبی است و در آن از عبارات بلند و آراسته استفاده شده است. این سبک نشان‌دهنده اهمیت و تقدس موضوع دعا است. لحن متن نیز التماس‌آمیز و فروتنانه است که بیانگر وابستگی گوینده به خداوند و درخواست کمک از او است.

این دعا با بهره‌گیری از توازن صوتی و سجع آهنگی دل‌نشین پدید آورده است؛ پایان اغلب اصطلاحات- مانند «الطَّاعَةِ»، «الْمُعَصِيَةِ»، «الْيَتِيَّةِ» و «الْحُرْمَةِ»- به «ة» ختم می‌شود که جذابیت و گیرایی صوتی آن را برای مخاطب دوچندان می‌کند. همچنین ترکیب موزون صداهای حروف، هم‌آوایی حرکت‌ها و سکنت‌ها، و پیوند استوار میان مخارج و معانی حروف در فواصل معین، بر زیبایی آوایی این دعا می‌افزاید. چنین هماهنگی لفظی و آهنگین، ساختار موسیقایی دعا را در ذهن تثبیت می‌سازد و شنونده را به تأمل در مفاهیم اخلاقی و اجتماعی آن فرا می‌خواند (سلطان، بی‌تا: ۲۴).

انتخاب کلمات نیز به گونه‌ای صورت گرفته که هریک با ساختار روان خود، جریان طبیعی و ملایمی از نغمه معنایی بسازد. «الصَّوَابُ» و «الْحِكْمَةُ» در کنار «الرُّهْدُ» و «الزَّحْمَةُ»، همگی واج‌هایی نرم و دل‌نشین دارند که ضرب‌آهنگی آرام اما مستحکم ایجاد می‌کنند. چنین ساختاری، علاوه بر کمک به حفظ آسان‌تر دعا، پیام‌های اخلاقی و تربیتی را به‌صورت ضمنی در ذهن مخاطب حک می‌کند و زمینه‌ساز پذیرش عمیق‌تر آن می‌شود (الإسترابادی، ۱۹۷۵: ۲/ ۲۸۸ - ۲۸۹).

ساختارهای مسجع این دعا، از دو گونه عبارات تشکیل شده که هر کدام جلوه‌ای از تناسب و توازی دستوری را نشان می‌دهند:

گروه «فعل + مفعول به» در «أَزْرُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعَدَ الْمَعْصِيَةِ»،

ترکیب «فعل + مفعول + به... و...» در «سَدَّدُ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ»

هر یک از این ساختارها با تکرار فاصله‌های مشابه و ترتیب موازی کلمات، ضرب‌آهنگ ثابت و تأثیرگذاری ویژه‌ای خلق می‌کنند.

در نهایت، سجع و توازی دستوری در این دعا، تنها به زیباسازی متن محدود نمی‌شود؛ بلکه با ایجاد آهنگی دل‌نشین، به جذب مخاطب و آسان‌تر شدن حفظ آن کمک می‌کنند. این عناصر همچنین پیام‌های



اخلاقی و اجتماعی دعا را در ذهن تثبیت کرده و با ایجاد هماهنگی آوایی، حس تعلق و هویت جمعی مسلمانان را استوارتر می‌سازند.

۵.۱.۲. عبارتهای مجازی

از دیدگاه جورج لیکاف و مارک جانسون، مجاز سازوکاری شناختی است که به ما کمک می‌کند یک مفهوم را بر اساس مفهومی دیگر درک و تجربه کنیم. به بیان دیگر، مجاز ابزاری ذهنی است که انسان به واسطه آن می‌تواند مفاهیم انتزاعی را با تکیه بر مفاهیم عینی‌تر و آشنا تر بفهمد؛ چراکه انسان‌ها برای درک مفاهیمی چون زمان، احساس یا اخلاق، معمولاً از مفاهیم ملموس‌تری مانند فضا، مسیر و حرکت بهره می‌گیرند (Lakoff & Johnson, 1980: 5). در این دیدگاه، مجاز صرفاً آرایه‌ای ادبی یا زبانی نیست؛ بلکه یک فرایند شناختی بنیادین است که در شکل‌گیری مفاهیم، استدلال و زبان روزمره انسان نقشی اساسی دارد.

به عنوان مثال، در جمله «وقت طلا است»، یک مفهوم انتزاعی و ناملموس مانند «وقت» از طریق مفهومی مادی و باارزش مانند «طلا» درک می‌شود. در این مجاز، زمان به مثابه یک منبع ارزشمند و مصرف‌شدنی فرض شده که می‌توان آن را «خرج» کرد، «از دست داد»، «سرمایه‌گذاری» کرد و... در جمله «بحث جنگ است»، نیز مفهوم «بحث» که نوعی تعامل زبانی است، از طریق حوزه مفهومی «جنگ» درک شده است. در این مجاز، عناصر بحث (استدلال، پاسخ، حمله، دفاع و...) از مفاهیم مربوط به نبرد گرفته شده‌اند. به همین دلیل در زندگی روزمره از تعبیراتی چون «موضع‌گیری»، «حمله به نظر طرف مقابل» یا «دفاع از عقیده» استفاده می‌شود. پس، در هر دو مثال، یکی از مفاهیم انتزاعی (زمان، بحث) از طریق مفهومی آشنا تر و جسمانی‌تر (طلا، جنگ) فهمیده شده است.

اما از نظر بلاغت سنتی مجاز لفظی است که در معنایی غیر از معنای وضعی به کار رود، به این شرط که اولاً: میان معنای مجازی و معنای حقیقی علاقه و تناسبی وجود داشته باشد و ثانیاً: قرینه‌ای نیز اراده معنای حقیقی را مانع شود (قاسم و دیب، ۲۰۰۳: ۱۸۵).

اگر علاقه مجاز مشابهت باشد به آن استعاره گویند؛ به عبارت دیگر، استعاره تشبیهی است که یکی از طرفین آن (مشبه یا مشبه‌به) حذف شده باشد (همان: ۱۹۳)؛ حال اگر مشبه ذکر و مشبه‌به حذف شود مکینه و اگر مشبه‌به ذکر و مشبه حذف شود مصرحه است (همان: ۱۹۸ - ۱۹۹).



مجازها در این دعا به اشکال مختلف به کار رفته‌اند و نقش مهمی در برجسته‌سازی مفاهیم دینی و اخلاقی ایفا کرده‌اند، برخی از این مجازها عبارتند از:

رزق

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ، وَعِزَّانَ الْحُرْمَةِ»

رزق آن است که رشد و بقای بدن به آن وابسته است و خداوند حکیم برای موجودات زنده فراهم می‌کند (الزبیدی، ۱۳۸۵ ه.ق: ذیل ماده رزق). کاربرد این واژه برای امور روحانی و معنوی استعاره و از باب تشبیه معقول به محسوس است. در این دعا، توفیق طاعت و اجتناب از معصیت و درستی نیت و امثال آن به مثابه قوت و منبع تغذیه انسان در نظر گرفته شده‌اند. این استعاره، از این رو، مصرحه و تبعی است. در این عبارت، «رزق» به عنوان استعاره‌ای برای مفهوم انتزاعی «موفقیت در اطاعت» به کار رفته است تا نشان دهد که این موفقیت، نعمتی است که خداوند به انسان عطا می‌کند و مانند روزی مادی، قابل دریافت و موجب رشد و حرکت انسان در مسیر درست است. این استعاره، فاصله معنایی بین مفاهیم مادی و معنوی را کم می‌کند و فهم مفهوم انتزاعی را برای مخاطب ساده‌تر و ملموس‌تر می‌سازد.

لسان

«سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ» (زبان‌های ما را به سخن درست استوار کن)

در اینجا زبان به عنوان ابزار بیان حقیقت و درستی به کار رفته و مجاز مرسل به علاقه آلیه است. زبان در این عبارت، همچنین به کمان تشبیه شده است؛ البته کمان در این عبارت حذف و به ذکر لازمه آن یعنی تسدید (هدف گرفتن) (الزبیدی، همان: ذیل ماده رزق) اکتفا شده است. این تعبیر از این منظر استعاره مکنیه است. این استعاره زبان و گفتار را به یک وسیله هدفمند و هدایت‌پذیر تشبیه می‌کند که نیازمند نشانه‌گیری درست است تا به هدف خود یعنی سخن گفتن صحیح و درست برسد.

قلوب

«أَمَلًا قُلُوبُنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ» (دل‌های ما را از علم و معرفت پر کن)

در این عبارت قلب، ظرف و محل ذخیره و دریافت علم و دانش در نظر گرفته شده و مجاز مرسل به علاقه محلیه است. این استعاره کمک می‌کند تا مفاهیم انتزاعی دانش و معرفت به صورت یک تجربه عینی و ملموس نمایش داده شوند.

بطن

«طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ» (شکم‌های ما را از حرام و شبهه پاک گردان)



بطن در اینجا در حکم ظرفی قرار دارد که می‌توان آن را از چیزهای حرام و شبهه‌آلود پر کرد و ممکن است آلوده شوند و به شستشو نیاز داشته باشند. واضح است که آلودگی لباس‌ها و ظروف ظاهری و آلودگی شکم انسان معنوی است و به‌خاطر استفاده از اموال حرام و شبهه‌آلود پدید می‌آید. این استعاره مفهومی با به کارگیری تصویر ملموس «تطهیر شکم» به جای پاک‌سازی ذهن، روح یا رفتار، درخواست دوری از حرام و شبهه را به شکل عینی و قابل‌فهم‌تری برای مخاطب بیان می‌کند. همچنین نشان می‌دهد که آنچه وارد بدن و به تعبیر استعاره‌ای، وجود انسان می‌شود، می‌تواند تأثیر عمیق و پاک‌کننده یا آلوده‌کننده داشته باشد.

آیدی

«اَكْفُفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْفَةِ» (دستان ما را از ظلم و سرقت بازدار)

دست در این عبارت مجاز مرسل به علاقه‌آلیه و به معنای توان و امکان انجام عمل است (ازهری، ۲۰۰۱: ذیل ماده یدو). این استعاره، مسئولیت عمل و رفتار انسان را به صورت عینی‌تر نشان می‌دهد؛ دست‌ها آلت و ابزار انجام کارهای مختلف هستند. این تصویر ساده و ملموس، پیام دعا را در قالبی قابل‌فهم و عینی بیان می‌کند.

در مرحله توصیف، ویژگی‌های زبانی متن دعا، نشان می‌دهد که این متن بازتابی از ارزش‌های دینی و اخلاقی است و با استفاده از ساختارهای زبانی منظم و سبک ادبی، تلاش می‌کند تا مخاطب را به سمت درخواست‌های معنوی و اخلاقی سوق دهد. این تحلیل پایه‌ای برای مراحل بعدی (تفسیر و تبیین) فراهم می‌کند.

۲.۲. تفسیر

در مرحله «تفسیر» در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، معنا در پیوند سه‌جانبه متن، بستر موقعیتی-بینامتنی و ذهن‌آگاهی مفسر شکل می‌گیرد (فرکلاف، ۲۱۵).

بستر موقعیتی-بینامتنی باید به سه لایه تاریخی (دوره تولید متن)، اجتماعی (ویژگی‌های مخاطبان و مناسبات جمعی) و نهادی (نقش ساختارها و نهادهای تأثیرگذار) تقسیم شود تا مفسر بتواند شواهد را منظم و اولویت‌بندی کند (همان، ۱۵۲).

ذهن‌آگاهی مفسر شامل دانش پیشین، باورها، ارزش‌ها و سوگیری‌های فرهنگی اوست که مستقیماً بر فرایند تفسیر تأثیر می‌گذارد و برداشت‌های متفاوت را ممکن می‌سازد (همان، ۲۱۵). قدرت در این



چارچوب نه تنها بر پیش فرض‌ها اثر می‌گذارد، بلکه با بازتولید ابزارهای نهادی و رسانه‌ای می‌تواند تفسیر غالب را تثبیت یا دگرگون کند (همان، ۱۵۲).

فرایند تفسیر کاملاً پویا است و برداشت‌های اولیه مشارکت‌کنندگان در جریان تعاملات گروهی و گفت‌وگوهای انتقادی تغییر می‌یابد. فرکلاف در این مرحله سه پرسش محوری را مطرح می‌کند (همان، ۲۴۴):

مشارکت‌کنندگان چگونه عوامل تاریخی، اجتماعی و نهادی تولید متن را در نظر می‌گیرند؟

چه قواعد ساختاری و معنایی برای تحلیل به کار گرفته می‌شود؟

چگونه برداشت‌ها در تعامل متقابل میان مفسران تفاوت یافته و دگرگون می‌شوند؟

به این ترتیب، هر تفسیر محصول ترکیب محتوای صریح متن با ذهن‌آگاهی مفسر و شناخت زمینه‌ای اوست؛ درحالی‌که بستر موقعیتی- بینامتنی نشان می‌دهد چگونه قوای اجتماعی و نسبت‌های قدرت می‌توانند پیش فرض‌های مشترک یا متضاد را میان مشارکت‌کنندگان تثبیت کنند.

۲.۲.۱. شرایط تولید متن

این متن دعا در بافت مذهبی و اسلامی تولید شده است و بازتابی از ارزش‌ها، باورها و ایدئولوژی‌های دینی است. متن دعا با دانش دینی عمیق و وحیانی نوشته شده است؛ زیرا از کلمات و مفاهیم خاص اسلامی و درعین حال ساده و بی‌پیرایه (سهل‌ممتنع) استفاده کرده است.

۲.۲.۲. دریافت‌کنندگان متن

این متن دعا در مراسم مذهبی، نمازها و گردهم‌آیی‌های دینی خوانده می‌شود. مخاطبان این متن، افراد مسلمانی هستند که تقویت ایمان خود را از خداوند خواستار هستند و درخواست‌هایشان را نزد او مطرح می‌کنند و از او استمداد و کمک می‌گیرند. همچنین مخاطبان این متن ممکن است آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت روحیه، دریافت رحمت الهی و بهبود شرایط زندگی خود تفسیر کنند.

۲.۲.۳. تعامل بین متن و بافت

تعامل متن با بافت اجتماعی و فرهنگی و تعامل مخاطب با متن و چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن وی را بررسی می‌کند. این مرحله به تحلیل گر کمک می‌کند تا ارتباط بین متن و بافت اجتماعی آن را بهتر درک



کند و نقش متن در بازتولید یا تغییر روابط قدرت و ایدئولوژی‌ها را بررسی کند. «از نگاه تحلیل گران (انتقادی) گفتمان، گفتمان؛ یعنی متن در بافت» (فلاوردو و ریچاردسون، ۱۳۹۷: ۸۵).

متن دعا با بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی تعامل دارد. این متن بازتابی از ارزش‌های اخلاقی و دینی است که در جامعه اسلامی اهمیت زیادی دارند، مانند عدالت، رحمت، عفت و تقوا. متن دعا همچنین به گروه‌های مختلف جامعه (مانند علماء، فقراء، بیماران، جوانان، زنان، حاکمان و غیره) توجه کرده است. این نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد همبستگی اجتماعی و توجه به نیازهای همه اقشار جامعه است.

استفاده از عبارات طلبی مانند «ارزقنا»، «اکرمنا» و «طهر» نشان‌دهنده وابستگی انسان به خداوند و درخواست کمک از اوست. این موضوع بازتابی از جهان‌بینی اسلامی است که بر توکل و وابستگی به خدا تأکید دارد.

۴.۲.۲. بینامتنیت

این دعا با گفتمان‌های اسلامی هم‌خوانی دارد و در همان راستای مفاهیم قرآنی و تعلیمات صادره از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) است.

به عنوان مثال، به ذکر عباراتی از دعا که از لحاظ لفظی و معنایی با برخی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی رابطه بینامتنی متنی دارند در جدول زیر اکتفا می‌شود:

متن دعا	آیه قرآنی	حدیث نبوی
«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ».	(وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) (۲۹: تکویر)	«اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَأَحْسَنِ الْأَعْمَالِ وَالْأَخْلَاقِ، لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ» (النسائي، ۱۴۲۱ هـ.ق: ۱ / ۴۶۶)
خدایا! توفیق فرمان‌بری و دوری از نافرمانی را روزی‌مان کن.	و شما چیزی را نمی‌خواهید مگر اینکه خداوند، پروردگار جهانیان، آن را بخواهد.	خدایا، مرا به نیکوترین کردارها و اخلاق رهنمون ساز، که جز تو کسی به نیکوترینشان راه نمی‌نماید، و بدترین آن‌ها را از من دور کن، که جز تو کسی آن‌ها را از من دور نمی‌سازد.



«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (البینة: ۵) و به آنان فرمانی داده نشده بود، جز اینکه خدا را پرستند؛ در حالی که دین را برای او خالص گردانند.	«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» (البخاری، ۱۴۱۴هـ.ق: مقدمه / ۵) همانا ارزش اعمال، بسته به نیت هاست؛ و همانا هر کسی تنها همان را خواهد داشت که نیت کرده است.	«وَصِدْقُ النَّبِيِّ» و راستی نیت را
«وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (۱۱۴: طه) و بگو: پروردگارا، دانشم را افزون گردان.	«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَزِدْنِي عِلْمًا» (الترمذی، ۱۹۹۶: ۴۵۹ / ۵) خدایا، مرا از آنچه به من آموخته‌ای بهره‌مند ساز، و آنچه را برایم سودمند است به من بیاموز، و بر دانشم بیفز.	«وَأَمَّا قُلُوبُنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ» و دل‌های ما را از دانش و معرفت سرشار گردان.

در مرحله تفسیر، تحلیل رابطه بین متن دعا و بافت اجتماعی آن نشان می‌دهد که این متن بازتابی از ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های دینی است و در بافت مذهبی تولید و مصرف می‌شود. این متن تلاش می‌کند تا با توجه به نیازهای مختلف جامعه، مخاطبان را به سمت تقویت ایمان و اخلاق سوق دهد. این تحلیل پایه‌ای برای مرحله بعدی (تبیین) فراهم می‌کند.

۳.۲. تبیین

در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، مرحله تبیین سومین مرحله از فرایند تحلیل است. در این مرحله، تحلیل‌گر به بررسی چگونگی تأثیر گفتمان بر ساختارهای اجتماعی و همچنین تأثیر شرایط اجتماعی بر شکل‌گیری گفتمان می‌پردازد. هدف این مرحله، روشن‌سازی روابط متقابل بین گفتمان و ساختارهای قدرت، ایدئولوژی‌ها و نهادهای اجتماعی است. «تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش-زمینه‌ای و بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ تغییر آن ساختارها می‌شوند. تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت» (فرکلاف، همان: ۲۴۵).



پرسش‌هایی که فرکلاف در این سطح مطرح می‌کند، عبارتند از: «۱. عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟ ۲. ایدئولوژی‌ها: چته عناصری از دانش‌زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند، دارای خصوصیت ایدئولوژیک هستند؟ ۳. تأثیرات: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چیست؟ آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساختن آن عمل می‌کند» (همان: ۲۵۰)

در این راستا، تحلیل دعای «توفیق الطاعة» از منظر تبیین، ما را به درک رابطه آن با قدرت، ایدئولوژی و نقش آن در هدایت جامعه اسلامی رهنمون می‌سازد.

۲.۳.۱. رابطه گفتمان دعا با ساختارهای اجتماعی

دعای «توفیق الطاعة» از لحاظ اجتماعی بازتابی از نظام ارزشی و اخلاقی اسلام است که در آن مفاهیمی چون «طاعت»، «صداقت»، «عدالت» و «زهد» برجسته شده‌اند. در این دعا، جامعه به صورت یک کل هماهنگ در نظر گرفته شده که در آن هر گروه اجتماعی وظایف و ویژگی‌های خاص خود را دارد: عالمان با زهد و نصیحت، متعلمین با جهد و رغبت، اغنیا با تواضع و سعه صدر، فقراء با صبر و قناعت. چنین ساختاری نشان‌دهنده تأثیر ارزش‌های دینی بر توزیع نقش‌های اجتماعی است که در جوامع اسلامی به‌عنوان یک چارچوب مشروع برای تعاملات اجتماعی پذیرفته شده است.

۲.۳.۲. نقش دعا در بازتولید قدرت و ایدئولوژی

نورمن فرکلاف معتقد است که گفتمان‌های دینی به‌عنوان بخشی از نظام‌های قدرت، می‌توانند در بازتولید ایدئولوژی‌های مسلط نقش ایفا کنند؛ به عبارت دیگر «ایدئولوژی ابزار ایجاد و حفظ روابط قدرت در جامعه است و به وساطت زبان در نهادهای اجتماعی جریان می‌یابد. نقطه تمرکز فرکلاف بر رابطه زبان و قدرت است و اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی بر دیگران، کاربرد دارد؛ چرا که معنی در خدمت قدرت است» (کلانتري، ۱۳۹۱: ۲۲) در این دعا، مفاهیمی چون «طاعت»، «استقامت»، «عدالت» و «انفاق» به‌عنوان فضایل اجتماعی مطرح شده‌اند که به تثبیت هنجارهای دینی و تقویت قدرت نهادهای مذهبی کمک می‌کنند. همچنین، این دعا با تأکید بر «عدالت امر» و «انصاف رعیت»، به‌نوعی مشروعیت حکومت دینی را نیز تقویت می‌کند و بر لزوم تعامل متقابل میان حاکمان عادل و مردم بر اساس معیارهای دینی تأکید دارد.



۲.۳.۳. تأثیر دعا بر هویت فردی و جمعی

دعای «توفیق الطاعة» نه تنها به اصلاح رفتار فردی می‌پردازد؛ بلکه هویت جمعی مسلمانان را نیز با تأکید بر مفاهیمی چون طهارت، انصاف، توبه و عفت شکل می‌دهد. این دعا الگوی رفتاری واحد و منسجمی را برای جامعه اسلامی پیشنهاد می‌کند که بر مبنای ارزش‌های مشترک بنا شده است. این بُعد بنا بر نظریه فرکلاف، تحت عنوان بازتولید هویت اجتماعی از طریق گفتمان که در آن زبان، وسیله‌ای برای تداوم و تثبیت ارزش‌های اجتماعی و دینی محسوب می‌شود، تحلیل و ارزیابی می‌شود (فرکلاف، همان: ۷۹).

بررسی مرحله تبیین در گفتمان دعای «توفیق الطاعة» نشان می‌دهد که این دعا از طریق زبان و مفاهیم اخلاقی خود، به تثبیت ساختارهای اجتماعی، مشروعیت‌بخشی به نظم دینی مشروط بر عادل بودن و بازتولید هویت جمعی اسلامی کمک می‌کند. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، چنین دعاهایی به عنوان بخشی از گفتمان دینی، تأثیر مستقیمی بر توزیع قدرت، روابط اجتماعی و انسجام ایدئولوژیک جامعه اسلامی دارند. عناصر زبانی در این دعا، کارکرد اجتماعی- اخلاقی دارند و هویت فردی و جمعی مسلمانان را هم‌زمان شکل می‌دهند و بازتولید می‌کنند. از نگاه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، زبان ابزاری است برای «تولید، تداوم و بازتولید قدرت و هویت در سطح گفتمانی» (همان: ۲۴۵). در این دعا افعال دعایی «ارزقنا»، «سدد ألسنتنا»، «املاً قلوبنا» و «طهر بطوننا» نقش فراخوان درونی برای تهذیب نفس و تحکیم کنش‌های اخلاقی نظیر صدق نیت، تقوا و قناعت را ایفا می‌کنند.

علاوه بر این، دستورهای رفتاری دعا مانند «اکفف أیدینا عن الظلم والسرقة» و «اغضض أبصارنا عن الفجور والخيانة» به سطح توصیه‌های جمعی ارتقا می‌یابند. تکرار کلماتی چون «انصاف»، «رافت» و «نصیحت»، چارچوب مشترک رفتاری جامعه اسلامی را تثبیت می‌کند و همان «نظام ارزش‌های مشترک» را شکل می‌دهد که فرکلاف از آن سخن می‌گوید.

مفهوم «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعَدَ الْمَعْصِيَةِ» نیز با تأکید بر لزوم انجام واجبات و دوری از گناه، نشان می‌دهد که مشروعیت فرد و جامعه در گرو التزام دائمی به ارزش‌های دینی است. این فراخوان، به عنوان عنصر بازتعریف‌کننده روابط قدرت، اهمیت تعهد اخلاقی را به عنوان زیربنای ساختار اجتماعی برجسته می‌سازد.

در مجموع، ساختار امری و موازی این دعا - با افعالی چون «أکرمننا»، «اجعلنا» و «بارک للحجاج» و کلمات کلیدی دینی، به عنوان متنی ایدئولوژیک، در بازتولید هویت دینی- اجتماعی به شمار می‌آید و نشان می‌دهد چگونه زبان می‌تواند در چارچوب قدرت و ارزش‌ها، گفتمان هویت‌ساز را پیش ببرد.



۳. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گفتمان انتقادی دعای «توفیق الطاعه» بر اساس الگوی سه مرحله‌ای نورمن فرکلاف، کوشید تا لایه‌های زبانی، گفتمانی و ایدئولوژیکی این متن دینی را آشکار سازد. بررسی در سطح توصیف نشان داد که ساختار زبانی این دعا از عناصر بلاغی، دستوری و واژگانی متعددی بهره می‌گیرد که همگی در خدمت انتقال گفتمان اخلاقی و دینی قرار دارند. تکرار افعال امر، استفاده از ضمائر جمع، ساختار متوازن و مسجع، و بهره‌گیری از استعاره‌ها و مجازهای بلاغی از جمله ویژگی‌هایی بودند که به انسجام زبانی و قدرت معنایی دعا افزوده‌اند. در سطح تفسیر، این دعا در بافت اجتماعی و مذهبی مشخصی تولید و مصرف می‌شود؛ متنی که نه فقط وسیله‌ای برای ارتباط فرد با خدا، بلکه ابزاری گفتمانی برای هدایت مخاطب به سوی ارزش‌های اسلامی تلقی می‌گردد. دعا با بهره‌گیری از گفتمان دینی جاری در قرآن و سنت، به خلق نوعی «فهم مشترک» میان گوینده و مخاطب کمک می‌کند و از این طریق، معنای دعا در شبکه‌ای از گفتمان‌های دینی تثبیت می‌شود. در سطح تبیین، روشن شد که دعای «توفیق الطاعه» از طریق بازنمایی مفاهیمی چون طاعت، عدالت، عفاف، و زهد، نه تنها به اصلاح رفتار فردی می‌پردازد؛ بلکه در شکل‌دهی به هویت جمعی مسلمانان و تقویت نظم اخلاقی و اجتماعی جامعه اسلامی نیز ایفای نقش می‌کند. ساختار اجتماعی منعکس‌شده در این دعا، بر پایه توزیع نقش‌های دینی برای اقشار مختلف بنا شده است و در جهت تقویت مشروعیت دینی در روابط اجتماعی عمل می‌کند. این دعا در واقع، ابزار بازتولید ایدئولوژی دینی در جامعه و تثبیت گفتمان اسلامی مبتنی بر تعادل، وظیفه‌مندی، و مسئولیت جمعی است.

در مجموع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دعای مذکور، متنی صرفاً عبادی نیست، بلکه گفتمانی فعال، آگاهانه و هدفمند است که با بهره‌گیری از زبان، به شکل‌دهی به تصورات اخلاقی و ارزشی جامعه اسلامی می‌پردازد. این دعا نه تنها نیازهای فردی، بلکه خواست‌های جمعی و ساختاری جامعه را بازتاب می‌دهد و الگویی از «مدینه فاضله» در اندیشه اسلامی ترسیم می‌کند. از این رو، تحلیل چنین متونی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از نقش زبان دینی در تکوین جهان‌بینی، هویت و مناسبات قدرت در جوامع اسلامی کمک کند.



فهرست منابع:

- قرآن کریم
- آل نواب، عبد الرب بن نواب الدين بن غريب الدين. (۱۴۲۴). **أساليب دعوة العصاة**. چاپ ۲۳. مدينة منورة. أساليب دعوة العصاة، الجامعة الإسلامية.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴). **لسان العرب**. چاپ سوم. بيروت: دار صادر.
- ازهری، ابو منصور محمد بن احمد. (۲۰۰۱م). **تهذيب اللغة**. چاپ اول. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- الإستراباذي، محمد بن الحسن الرضي. (۱۹۷۵). **شرح شافية ابن الحاجب**. تحقيق: محمد نور الحسن و محمد الزفزاف و محمد محیی الدين عبد الحمید. بيروت: دار الكتب العلمية.
- امام خميني، سيد روح الله موسوي. (۱۳۷۹). **تحریر الوسیله**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خميني.
- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. (۱۴۱۴هـ.ق). **صحيح البخاري**. تحقيق: مصطفى ديب البغا. چاپ پنجم. دمشق: دار ابن كثير ودار اليمامة.
- بهار محمدتقي. (۱۳۸۲). **سبک شناسی**. چاپ ۹. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- البهوتي، منصور بن يونس. (۱۴۱۸). **كشف القناع**. چاپ اول. بيروت: دار الكتب العلمية.
- الترمذی، أبو عيسى محمد بن عيسى. (۱۹۹۶م). **الجامع الكبير: سنن الترمذی**. تحقيق وتعليق: بشار عواد معروف. چاپ اول. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- ذكالي، عبدالحسين؛ صيادی نژاد، روح الله؛ اقبالي، عباس. (۱۳۹۹). «تحليل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف»، **مجله ادب عربی**، شماره ۲، دوره ۱۲، صص ۶۳-۸۳.
- ذوالفقاری، محسن؛ دسترنج، فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی آیات تحدی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف». **مجله پژوهش های ادبی-قرآنی**. شماره ۳، دوره ۷، صص ۱۶۳-۱۷۹.
- الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد. (۱۴۱۲). **المفردات في غريب القرآن**. تحقيق: صفوان عدنان الداودي. چاپ اول، دمشق وبيروت: دار القلم والدار الشاميه.
- الزحيلي، محمد مصطفى. (۲۰۰۶). **الوجيز في أصول الفقه الإسلامي**. چاپ دوم، دمشق: دار الخير للطباعة والنشر والتوزيع.
- الزبيدي، محمد مرتضى حسینی. (۱۳۸۵ هـ.ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. قم: دار الهدایه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳ هـ.ش). **کلیات شبک شناسی**. چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- عتیق، عبد العزیز. (۲۰۰۹م). **علم المعاني**. چاپ اول، بيروت: دار النهضة العربية للطباعة والنشر والتوزيع.
- فرکلاف نورمن. (۱۳۷۹). **تحليل انتقادی گفتمان**. ترجمه فاطمة شایسته پیران و همکاران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- فالوردو، جان؛ ریچاردسون، جان ای. (۱۳۹۷). **راهنمای گفتمان شناسی انتقادی: رویکردها**. زیر نظر مجید خسروی نیک و سیدعلی اصغر سلطانی، قم: لوگوس.
- فلاح پور، ابراهیم؛ شفیع پور، سجاد. (۱۳۹۷). «گفتمان گاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف». **پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن**. شماره ۱، دوره ۷، صص ۲۹-۴۲.



- قاسم، محمد احمد؛ دب، محیی الدین. (۲۰۰۳م). **علوم البلاغة: البديع والبيان والمعاني**. چاپ اول، طرابلس: المؤسسة الحديثة للكتاب.
- قزوینی، محمد بن عبد الرحمن بن عمر، أبو المعالي. (بی تا). **الإيضاح في علوم البلاغة**. محقق: محمد عبد المنعم خفاجی. چاپ سوم، بیروت: دار الجیل.
- قهرمانی، علی؛ بیدار، فاضل. (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس تئوری نورمن فرکلاف: مطالعه موردی خطبه های امام علی (ع) در جریان فتنه خوارج». **پژوهش نامه امامیه**. شماره ۹، دوره ۵، صص ۱۷۵ - ۱۹۸.
- سلطان، منیر. (بی تا). **البديع تأصيل وتجديد**، الإسكندرية، منشأة المعارف.
- شاهین، عادل بن شاهین بن محمد. (۲۰۰۴). **أخذ المال على أعمال القرب**. چاپ اول، بی جا: دار كنوز إشبیلیا للنشر والتوزيع.
- الفارابی، محمد بن محمد ابو نصر. (بی تا). **آراء أهل المدينة الفاضلة ومضاداتها**. تحقیق علی بو محلم. دار ومكتبة الهلال للطباعة والنشر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ هـ.ق). **الميزان في تفسير القرآن**. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- کاظمی، پریسا؛ چراغی وش، حسین؛ جلیلیان، مریم؛ متقی، امیر مقدم. (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان انتقادی دعای صباح امام علی (ع) بر اساس الگوی نورمن فرکلاف». **دعا پژوهی**. شماره ۴، دوره ۳، صص ۱۹۹ - ۲۲۰.
- الکفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی. (۱۴۱۲). **مصباح الكفعمی**. بیروت: مؤسسة النعمان للطباعة والنشر والتوزيع.
- کلاتری، عبدالحسین. (۱۳۹۱). **گفتمان از سه منظر زبان شناختی، فلسفی و جامعه شناختی**. تهران: جامعه شناسان.
- کوچک یزدی، زهره؛ ایزدی، مهدی؛ محصص، مرضیه. (۱۴۰۲). «تحلیل گفتمان سوره تحریم بر اساس الگوی فرلاف»، **مطالعات قرآن و حدیث**، شماره ۲، دوره ۱۶، صص ۱۷۷ - ۲۰۸.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ هـ.ش). **مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۵) جامعه و تاریخ**. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ هـ.ش). **تفسیر نمونه**. چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نراقی، محمدمهدی. (بی تا)، **جامع السعادات**، قم، مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان.
- النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب. (۱۴۲۱ هـ.ق). **السنن الكبرى**. تحقیق: حسن عبد المنعم شلبي. إشراف: شعيب الأرناؤوط. تقديم: عبد الله بن عبد المحسن التركي، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب. (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ). **الموسوعة الفقهية الكويتية**. الكويت: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
- منابع لاتین
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live*. University of Chicago Press.
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London: Longman

